بررسی عملکرد تیم ملی والیبال ایران
در لیگ جهانی ۲۰۱۷ در گفت‌وگوی «جوان» با مصطفی کارخانه

«کولا» هنوز شناخت کافی از والیبالیست‌ها ندارد

بچه‌های ما باید بیشتر بیاموزند همه چیز تمرین و تعصب نیست

گفت‌وگو
دنیا حیدری

با انتظارات بالا راهی لیگ جهانی شدیم اما آنچه شاهد بودیم چیزی بسیار دور از انتظار بود!

ما در گذشته جایگاه خوبی در دنیا داشتیم، افتخارات خوب، جایگاه و شخصیت خوب، تفکر حرفه‌ای که بر والیبال ما حاکم بود اما یک نگرانی همواره وجود داشت که مبادا در باد این موفقیت‌ها خوابیده باشیم. در این دوره با آمادگی صددرصد پا به عرصه مسابقات نگذاشتیم. تمرینات را دیر شروع کردیم. آمادگی تیمی ما بالا نبود، آمادگی جسمانی، روحی، تکنیکی و تاکتیکی خوبی نداشتیم. با ترس و لرز و نگرانی و استرس بازی می‌کردیم، شروع خوبی نداشتیم، با باخت شروع کردیم. نوساناتی که در تیم وجود داشت اثر منفی گذاشت و نتوانستیم اثرگذار باشیم. بازیکنان وقتی نتوانستند انتظارات را برآورده کنند، آن انگیزه و روحیه‌ای که باید برای پیروزی و برد داشته باشند را نداشتند. سرمربی هم شناخت خوبی از بازیکنان نداشت و همه چیز دست به دست هم داد که نتایجی دور از انتظار کسب کنیم.

بعد از دو باخت، لهستان را بردیم آن هم در خارج از خانه. اما باز هم به همان روش و استفاده از ترکیب شکست خورده برگشتیم چرا؟

یک ایراد بزرگ والیبال ما در اکثر تورنمنت‌ها این است که با باخت شروع می‌کنیم این را باید اصلاح کنیم؛ چراکه همه چیز را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بعد از هفته اول شانس خودمان را برای صعود کم می‌دیدیم، این انگیزه‌ها را از تیم ما گرفت. البته انتظار می‌رفت در چنین شرایطی یک نفر بزرگ‌تر بتواند با یک تلنگر یا یک شوک، تیم را جمع کند و آن را به جلو حرکت دهد. وقتی تحت تأثیر قرار می‌گیریم و نا امید می‌شویم، نیاز به یک حرکت رو به جلو داریم. یکی باید بچه‌ها را جمع می‌کرد و به جلو هل می‌داد. همه این مسائل باید مورد بازنگری قرار گیرد.

گفته می‌شود کولاکوویچ زیادی تحت تأثیر دستیاران ایرانی خود است و تیم را پیمان اکبری برای او چیده بود!

این مسئله نشان می‌دهد سرمربی تیم ملی هنوز شناخت کافی ندارد. ما یکی دو بازیکن را با خودمان بردیم که از آنها استفاده‌ای نکردیم. چرا به قرا و نظری افشار بازی داده نشد؟ آنها بازی‌های خوبی در لیگ انجام داده بودند. اگر بد بودند چرا آنها را بردیم اگر خوب بودند چرا فرصت بازی به آنها داده نشد؟ جای سؤال هست، زیاد هم هست، اما قطعاً مربی ما هنوز شناخت کافی ندارد و سال اول حضورش در ایران است. باید به او فرصت داد و دید در آینده چه می‌کند؟!

به نظر می‌رسید کولا همان مربی دیکتاتوری باشد که تیم نیاز دارد، قوانین سفت و سختی هم گذاشته بود اما اخباری که از هفته اول در ایتالیا به گوش می‌رسید، حکایت از چیز دیگری داشت.

من هم یکسری اشتباهات را در خصوص عملکرد کادر فنی دیدم اما به هر صورت کولا دو دستیار ایرانی دارد که جزو مربیان خوب ما هستند که هم باید تجربه پیدا کنند و هم اثر بخشی داشته باشند اما شخصاً با بازیکن سالاری به شدت مخالفم. اگر چه بازیکنان یک شخصیتی دارند، سرمایه‌های ما هستند که سالیان سال است برای آنها زحمت کشیده شده، انرژی و وقت گذاشته شده است و با توجه به اینکه آن پتانسیل بالا را نداریم که به راحتی بگوییم این نشد آن و از کنارشان عبور کنیم اما باید روی فرهنگ‌سازی کار کنیم. باید همانطور که برای تمرین کردن و بالا بردن سطح آمادگی جسمانی، افزایش بار فنی تیم، بالا بردن تکنیک و تاکتیک زمان می‌گذاریم، روی مسائل اخلاقی هم زمان بگذاریم. باید به همکاری رفتاری و همکاری گروهی هم توجه کنیم. بازیکن باید بداند تابع و در اختیار تیم است، باید با تمام وجود برای تیم ملی کشورش بجنگد. باید بداند اینجا تیم ملی است، باید با غیرت و تعصب برایش بازی کند، چراکه هیچ چیزی برابر تیم ملی و پرچم کشور اولویت ندارد و نباید به چیزی جز تیم ملی فکر کند. می‌دانم با تعصب بازی می‌کنند اما باید چیزهایی را به آنها یاد داد. همه چیز تمرین کردن نیست.

با توجه به اتفاقات رخ داده بسیاری بر این باور هستند که زمان معروف‌ها و موسوی‌ها تمام شده است و باید به جوان‌ترها میدان داد. هرچند کولاکوویچ برخلاف آنچه از او انتظار می‌رفت به جوانان خیلی هم میدان نداد جز یک بازی که مجبور شد!

من اعتقاد ندارم دوران موسوی‌ها و معروف‌ها تمام شده است. ما برای آنکه آنها به این جایگاه برسند تلاش زیادی کردیم، نمی‌توان یکدفعه آنها را کنار گذاشت. جایگزین‌هایی که می‌خواهیم بیاوریم فاصله زیادی با این بازیکن‌ها دارند اما باید بر پایه شایسته‌سالاری و منطق تیم را اداره کرد و جلو برد. میدان ندادن به جوان‌ها دو دلیل داشت. یک، عدم شناخت و دو اینکه کولاکوویچ به دنبال تثبیت خود بود و ریسک نمی‌کرد. او به جوان‌ها اعتماد و اعتقاد نداشت چون می‌خواست خودش را تثبیت کند. به همین دلیل دست روی بازیکنان اسمی گذاشت غافل از آنکه شاید آنها نیز در آمادگی کامل نباشند.

برای تکرار نشدن این ناکامی چه باید کرد؟

باید بررسی، آسیب‌شناسی و درمان کرد. باید بنشینیم بازی‌ها را آنالیز کنیم. کادر فنی باید از خودش شروع کند ببیند چه زمان و چرا تعویض نکرده، تایم اوت‌ها را بررسی کند ببیند کجاها کند عمل کرده است. بعد برود سراغ بازیکنان. نقاط ضعف‌ها را بیابد و درصدد رفع آنها برآید. سرویس‌ها در این مسابقات بسیار تأثیرگذار بود، سرویس‌هایمان را تقویت کنیم و در مقابل روی دریافت‌هایمان بیشتر کار کنیم. مشکلات فنی با تمرین حل می‌شود. این جایگاه می‌تواند یک تلنگر و زنگ خطر باشد. شاید اگر در جایگاه هشتم قرار می‌گرفتیم، به خودمان نمی‌آمدیم. الان چیزی از دست نداده‌ایم، با ۱۱ تیم برتر و با تجربه دنیا بازی کردیم، حتماً تجربیات خوبی کسب کردیم. هفت سال در لیگ جهانی هستیم می‌توانیم خود را برای رقابت‌های بعدی آماده کنیم اما اگر دست روی دست بگذاریم و هوشیار نباشیم، دو سه سال دیگر فدراسیون جهانی وقتی ببیند حرکت رو به جلویی نداریم، بندی، تبصره‌ای می‌آورد و ما را از این رقابت‌ها کنار می‌گذارد و تیمی دیگر را جایگزین می‌کند. باید از اشتباهات، شکست‌ها و ناکامی‌ها درس بگیریم. باید آسیب شناسی کنیم و درصدد حل آن برآییم. این جایگاه شایسته ما نبود اما عیارمان در بین ۱۱ تیم برتر دنیا مشخص شد و حالا می‌دانیم که باید تأثیرگذارتر باشیم و بیشتر تلاش کنیم.

گزارش
سعید احمدیان

مرحله مقدماتی لیگ جهانی ۲۰۱۷ در حالی یک‌شنبه این هفته به پایان رسید که تیم ملی والیبال کشورمان یکی از ضعیف‌ترین دوره‌های حضورش در این رقابت‌ها را تجربه کرد، شش باخت و تنها سه پیروزی حاصل کار شاگردان کولاکوویچ در لیگ جهانی ۲۰۱۷ بود تا آنها در پایان سه هفته برگزاری مرحله مقدماتی در بین ۱۲ تیم، در رده یازدهم قرار گیرند؛ نتیجه‌ای که والیبال را در معرض شدیدترین انتقادات قرار داده است، تیمی که ستاره‌هایش دل و دماغی برای بازی ندارند و با بی‌تفاوتی بازی می‌کنند و آن سو سرمربی‌اش به جوانانی سرشار از انگیزه تیمش فرصت بازی نمی‌دهد!

متخصص جوانگرایی جا زد

برنامه‌ریزی فدراسیون والیبال برای لیگ جهانی ۲۰۱۷ از پایان المپیک آغاز شد، همان روزهایی که فدراسیون پس از نتایج ضعیف در المپیک، عذر خاویر لوزانو را خواست و دنبال یک مربی جدید رفت تا والیبال کشورمان بتواند در اولین رقابت مهمی که بعد از المپیک ریو پیش رو دارد، بتواند دوباره همان تیم شگفتی ساز و ترسناکی شود که تیم‌های مدعی والیبال جهان هم از روبه‌رویی با آن ترس داشتند. پس از بررسی گزینه‌های مختلف سرانجام ایگور کولاکوویچ مونته‌نگرویی که سابقه درخشانی در هدایت تیم ملی صربستان داشت، روی نیمکت ایران نشست تا پس از کواچ و لوزانو، سومین مربی ایران در سه سال اخیر باشد. لیگ جهانی ۲۰۱۷ اولین محک والیبال ایران با کولاکوویچ بود. او از همان روزهای اول با وضع قوانین سختگیرانه انضباطی در تمرینات و اردوها به دنبال پر کردن خلأ مدیریتی بود که در دو سال گذشته به تیم ضربه زده بود. بازیکنان از تمرینات سختش می‌گفتند و از اینکه این مربی نفس‌شان را در تمرین بند آورده است!

نفرات دعوت شده هم به تیم ملی همان بازیکنان چند سال اخیر بودند، البته به علاوه چند بازیکن جدید. کولاکوویچ هر چند در صربستان به جوانگرایی و ساختن یک نسل جدید شهره بود و توانسته بود میراث بزرگی برای این کشور به جا بگذارد اما با نفراتی که به تیم ملی دعوت کرد نشان داد که برنامه‌ای برای جوانگرایی ندارد و همچنان می‌خواهد تیم ملی متکی به ستاره‌های نسل طلایی والیبال باشد، ملی‌پوشانی که بعضی از آنها سال گذشته، به جای اینکه به پوشیدن پیراهن تیم ملی افتخار کنند، با شرط و شروط و بهانه‌های مختلفی مانند مصدومیت به دنبال حضور نیافتن در تیم ملی بودند، یکی به بهانه درد کمر به تیم ملی پشت کرد و دیگری هم خواستار حضور پاره وقت در تیم ملی شد و به دنبال این بود تا هر وقت خودش می‌خواست و یکی در میان در بازی‌های ملی به میدان برود تا خسته نشود! کولاکوویچ هم هر چند در مصاحبه‌هایش بر بازیکن سالاری تأکید می‌کرد اما در عمل نشان می‌داد که نمی‌تواند از ستاره‌هایی که دلشان با تیم ملی نیست دل بکند و با آنها راه می‌آمد تا ثابت کند که در این دوره هم مانند دوره‌های پس از والسکو، قرار است در سکوت و مماشات فدراسیون و تساهل کولاکوویچ، بازیکن سالاری حرف اول را بزند.

ستاره‌های بی‌تفاوت و بی‌انگیزه

با این شرایط تیم ملی والیبال کشورمان لیگ جهانی ۲۰۱۷ را از ۱۲ خرداد آغاز کرد تا با این مربی بتواند نتایج بهتری نسبت به سال قبل کسب کند. والیبال ایران در لیگ جهانی ۲۰۱۶ با لوزانو با چهار برد و پنج باخت در رده هفتم جدول ۱۲ تیمی سطح یک لیگ جهانی قرار گرفته بود و این بار شاگردان کولاکوویچ برای صعود به جمع شش تیم مرحله نیمه نهایی برنامه‌ریزی کرده بودند. مانند تمام سال‌های حضور ایران در لیگ جهانی، باز هم کشورمان در این رقابت‌ها شروع خوبی نداشت اما این امیدواری وجود داشت تا تیم مسابقه به مسابقه بهتر شود. شکست ۳ بر صفر به ایتالیا و در ادامه ۳ بر یک به برزیل، دو شکست را در همان دو بازی او برای کشورمان ثبت کرد. در مسابقه سوم اما کولاکوویچ با تعویض تمام ستاره‌های تیم، یک ترکیب جوان را به میدان فرستاد، تغییری که جواب داد و تیم جوان شده کشورمان لهستان را شکست داد و ارزش‌های ستاره‌ای مانند محمد جواد معنوی نژاد بیشتر از قبل مشخص شد؛ بازیکن جوانی که به دلیل ارتباطات خاص کادر مدیریتی تیم ملی، از المپیک ریو خط خورد تا یکی از بازیکنان پا به سن گذاشته و نزدیک به یکی از اعضای کادر تیم به عنوان توریست به المپیک برود. هفته دوم به میزبانی تهران برگزار شد، مسابقاتی که با دو پیروزی مقابل بلژیک و آرژانتین و شکست برابر صربستان همراه بود. با توجه به این نتایج، امیدهای ایران برای صعود زنده ماند و همه نگاه‌ها به هفته سوم بود؛ هفته‌ای که تیم کشورمان باید به مصاف تیم‌های لهستان، روسیه و امریکا می‌رفت. بر خلاف هفته‌های اول و دوم، هفته سوم با ناکامی کامل برای کولاکوویچ و شاگردانش به پایان رسید و سه شکست دیگر در کارنامه ایران ثبت شد تا تیم کشورمان در پایان مرحله مقدماتی، با شش شکست و تنها سه پیروزی در جدول ۱۲ تیمی، روی رده یکی مانده به آخر و یازدهم قرار گیرد.

نگاهی به نتایج ایران در لیگ جهانی ۲۰۱۷

سقوط از چهارم تا یازدهم!

اعتماد به جوانان برای بازگشت به اوج

سقوط چهار پله‌ای در لیگ جهانی نسبت به سال گذشته، زنگ خطر را برای والیبال ایران به صدا در آورد، اما چه شد تیمی که در سال ۲۰۱۴ توانسته بود در رده چهارم لیگ جهانی قرار گیرد، سه سال بعد یازدهم شود؟ مهم‌ترین مسئله در نتایج ضعیف کشورمان در لیگ جهانی ۲۰۱۷ به نبودن روحیه جنگندگی و انگیزه در بین بازیکنان بر می‌گردد. تماشای تنها سه بازی آخر کشورمان در هفته سوم لیگ جهانی، به خوبی نشان می‌دهد که ستاره‌هایی که روزگاری، در بین بهترین‌های جهان جا داشتند، چگونه با توجه به داشتن سقف آرزوهای کوتاه، تبدیل به بازیکنان آماتوری شده بودند که نمایش‌شان به والیبال محلات پهلو می‌زد. بازیکنانی مانند محمد موسوی، میلاد عبادی پور، امیر غفور، میرزاجانپور، فرهاد قائمی و عادل غلامی با نمایشی که حاکی از بی‌تفاوتی شان بود، یکی از ضعیف‌ترین دوره‌های حضورشان در تیم ملی را ثبت کردند. سعید معروف هم آن ستاره همیشگی نبود تا مشخص شود که نسل طلایی والیبال ایران به آخر خط رسیده و باید جایشان را به بازیکنان جوان بدهند، بازیکنانی که بر خلاف این ستاره‌ها هم انگیزه دارند و هم برای موفقیت با تمام وجود مایه می‌گذارند. آینده والیبال متعلق به جوانانی مانند معنوی‌نژاد، فرهاد سال‌افزون، سامان فائزی و بازیکنانی از این دست است و برای اوج‌گیری دوباره والیبال، کولاکوویچ باید اولویت قراردادن جوانان مانند روزهایی که در صربستان بود و همچنین قطع دست باندبازی‌های شکل گرفته در بین برخی ملی‌پوشان و برخی از اعضای کادر تیم را در پیش گیرد تا والیبال دوباره همان تیم ترسناک و جنگنده چند سال گذشته شود.

نیاز اورژانسی والیبال به جوانان باانگیزه و هوای تازه

نگاه
شیوا نوروزی

لیگ جهانی ۲۰۱۷ برای والیبال ایران تمام شد، خیلی زود و البته بسیار تلخ‌تر از آنچه تصورش را می‌کردیم. باتوجه به برآورده نشدن توقعات و با در نظر گرفتن عملکرد ضعیف ملی‌پوشان انتظار می‌رود هرچه سریع‌تر و قبل از اینکه دستاوردهای چند سال اخیرمان هدر برود با تزریق نیروهای جوان، باانگیزه و البته کمک گرفتن از بازیکنان باتجربه‌ای که هنوز قلبشان برای تیم ملی می‌تپد خونی تازه به رگ‌های والیبال ملی تزریق شود تا در آینده‌ای نزدیک باز هم در مسیر ترقی و قدرتنمایی در مقابل مدعیان قدم برداریم. نتیجه وقت تلف کردن‌های فدراسیون والیبال برای انتخاب سرمربی جدید تیم ملی پس از ناکامی در المپیک ریو در لیگ جهانی عیان شد. بعد از قطعی شدن رفتن لوزانو آقایان مدیر گزینه‌های زیادی را برای جانشینی او مطرح کردند. با این حال مذاکرات به قدری طولانی شد که پس از روی کار آمدن کولاکوویچ زمان زیادی از دست رفته بود. تا جایی که سرمربی جدید فرصت کافی برای شناخت بازیکنانش نداشت و همین مسئله زمینه را برای دخالت برخی‌ها و حضور بازیکنان اشباع شده در تیم ملی فراهم کرد. در ۹ بازی که در لیگ جهانی انجام دادیم رویارویی با لهستان در هفته نخست بازی‌ها تنها دیداری بود که طی آن قدرت واقعی والیبال ایران به نمایش گذاشته شد و طراوت و جنگندگی در بازی ملی‌پوشان کاملاً به چشم آمد. در سایر بازی‌ها و به ویژه در سه بازی آخر نه تنها خبری از آمادگی بازیکنان نبود بلکه تعصب و انگیزه همیشگی هم در اکثر بازیکنان دیده نمی‌شد. انتقاد اغلب کارشناسان و حتی مردم نیز به همین مسئله مربوط می‌شود. در چند سال اخیر تیم ملی والیبال همانطور که افتخارات و نتایج درخشانی کسب کرد در مصاف با رقبای سرشناس بارها شکست را پذیرفت اما این تعصب، عرق ملی و انگیزه بالای ملی‌پوشان بود که تحسین همه از کارشناس و منتقد گرفته تا هواداران را به رغم شکست به دنبال داشت. در روزهای حضور ولاسکو هر بازیکنی اجازه پوشیدن پیراهن ملی را نداشت و آنها هم که پایشان به تیم ملی می‌رسید با کوچک‌ترین خطایی و با پایین آمدن سطح انگیزه به سادگی کنار گذاشته می‌شدند تا در عوض باانگیزه‌ترین بازیکنان کشور در خدمت تیم ملی باشند اما با رفتن مرد آرژانتینی شرایط تغییر کرد؛ کواچ و لوزانو هیچ کدام کاریزمای ولاسکو را نداشتند. بحث‌های حاشیه‌ای زیادی از همان زمان مطرح شد، بحث‌هایی که به نظر می‌رسد همچنان بر تیم سایه افکنده است. اینکه اخبار در گوشی حاکی از تعیین تکلیف کردن برخی از بازیکنان برای کادر فنی باشد، خبرهای مشکوکی در مورد درگیری به گوش برسد و انگیزه از تیم رخت ببندد بدترین اتفاقاتی است که می‌تواند برای یک تیم آن هم در سطح یک جهان رخ دهد. مبارزه با بازیکن سالاری و پایان دادن به حواشی دنباله‌دار کمترین توقعی بود که اهالی و دوستداران والیبال از سرمربی جدید داشتند. منتها باز هم این اتفاق رخ نداد تا امسال در لیگ جهانی بین ۱۲ تیم حاضر در رتبه یازدهم جای بگیریم! عملکردی ضعیف که حتی رقبا نیز انتظارش را نداشتند. با همه فراز و نشیب‌های موجود لیگ جهانی به پایان رسید و باید از این به بعد به فکر آینده وجبران ناکامی این مسابقات باشیم. از جمله نکات مثبتی که می‌توان به آن اشاره کرد تجربه کولاکوویچ در جوانگرایی و تغییر نسل در تیم ملی صربستان است؛ سرمربی فعلی تیم ملی ایران با تزریق نیروی جوان والیبال صرب‌ها را زنده کرد. انتظار می‌رود با شناخت خوبی که کولا از والیبال کشورمان و بازیکنان قدیمی و جوان پیدا کرده با برنامه‌ای دقیق تغییر نسل را در دستور کار قرار دهد. بدون شک اگر بازی‌های لیگ برتر را موشکافانه آنالیز کنیم (نه فقط با نظر یکی دو مربی خاص) پدیده‌های جوان و جویای نام زیادی کشف می‌شوند که می‌توانند جا پای سعید معروف، موسوی و دیگران بگذارند. والیبالیست‌های زیادی هستند که با انگیزه‌تر از ملی‌پوشان فعلی برای پوشیدن پیراهن تیم ملی ثانیه شماری می‌کنند. درخشش معنوی نژاد آن هم در فرصت کوتاهی که به او داده شد ثابت کرد جوانگرایی و دل کندن از بی‌انگیزه‌ها حلقه مفقوده تیم ملی است. اظهارنظرهای زیادی در خصوص اینکه چرا در بازی‌های لیگ جهانی تنها یک ترکیب خاص با وجود بی‌انگیزگی به زمین می‌آمد مطرح شده اما این وظیفه سرمربی است که نباید به فرصت طلبان اجازه دخالت دهد. کولاکوویچ دو سال فرصت دارد تا والیبال ایرانی را به اوج بازگرداند. امیدواریم در پایان این مدت از او به عنوان ولاسکوی دوم یاد کنیم نه اینکه کولا نیز به سرنوشت سرمربیان قبلی گرفتار شده باشد.

والیبال دنیا جایی برای درجا زدن نیست

انقلاب جوان‌ها در لیگ جهانی

حاشیه
فریدون حسن

والیبال دنیا در حال پوست‌اندازی است، تیم‌های بزرگ دنیا پس از رقابت‌های بزرگی چون المپیک بدون در نظر گرفتن نتایج به دست آمده تغییرات گسترده‌ای را انجام می‌دهند.

امریکا، برزیل، روسیه و ایتالیا تیم‌هایی هستند که همواره مدال‌های المپیک و سکوهای قهرمانی دنیا را از آن خود کرده‌اند اما همین تیم‌ها به راحتی ترکیب اصلی خود را تغییر می‌دهند و جوان‌ها را جایگزین می‌کنند. به ترکیب ایتالیا در لیگ جهانی سال ۲۰۱۷ نگاه کنید، تیمی که تنها با دو پیروزی در رده دوازدهم جدول رده‌بندی قرار گرفت، تیمی که تا همین یکی، دو سال قبل صدرنشین بود و مدعی ولی قرار نیست با یک ترکیب و عده‌ای بازیکن خاص به کار ادامه دهد بنابراین جوان‌ها می‌آیند برای کسب تجربه حتی اگر پای مسابقات مهمی چون لیگ جهانی در میان باشد، اصلاً کجا بهتر از لیگ جهانی برای کسب تجربه! بازی‌های ایتالیا را حتماً سال آینده تماشا کنید تا ببینید اعتماد به جوانان چگونه نتیجه می‌دهد.

احیای دوباره زردها

برزیلی‌ها جوانگرایی را اما سال ۲۰۱۵ در دستور کار قرار دادند. لیگ جهانی و نتیجه آن را قربانی کسب تجربه جوانانشان کردند ولی با همان تیم جوان قهرمان المپیک شدند و حضوری پربارتر از قبل در لیگ جهانی داشتند. لیگ جهانی ۲۰۱۷ را نیز مقتدرانه آغاز کردند و حالا در انتظار پنج تیم برتر دنیا هستند تا مرحله پایانی بازی‌ها را در برزیل میزبانی کنند. برزیل، تیم مقتدر و افسانه‌ای سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ را به یکباره تغییر داد چون وقت تغییر فرا رسیده بود، چون قرار نبود جوان‌ها پشت خط بمانند و ستاره‌ها بی‌انگیزه شوند ولی این گونه نبود که چون ستاره هستند کسی جرئت تفکر در خصوص تعویض یا تغییر آنها را به خود ندهد، بنابراین خیلی راحت دست به تغییر زده شد و امروز والیبال برزیل حتی شاداب‌تر از سال‌های قهرمانی با ستاره‌های قبلی به سمت سکوهای اول رقابت‌های لیگ جهانی مسابقات جهانی و المپیک حرکت می‌کند.

یکه‌تازی بانکی‌ها با جوان‌ها

نمونه موفق تغییرات را باید در امریکا جست‌وجو کرد، والیبال که جای خود دارد، امریکایی‌ها بعد از المپیک حتی تیم بسکتبال خود را نیز زیر و رو کردند تا حتی ستاره‌های NBA نیز متوجه باشند وقتی پای میدان دادن به جوان‌ها در میان است هیچ حاشیه امنیتی وجود ندارد. امریکا پس از مسابقات لیگ جهانی ۲۰۱۶ ترکیب تیم ملی والیبالش را تغییر داد و جوان‌ها را به میدان فرستاد، حدود یک سال کار کرد و در نهایت هم موفق شد به رغم کسب نتایج ضعیف در هفته اول لیگ ۲۰۱۷ به جمع شش تیم راه یافته به مرحله نهایی در برزیل صعود کند، به این ترتیب همین جوان‌هایش هم با تجربه‌تر و میدان دیده‌تر شدند و هم نتیجه در خور و قابل توجه به دست آوردند.

پرنفس مثل روس‌ها

روسیه اصلاً قرار نیست از رقبای اصلی خود عقب بماند، روس‌ها پس از سال‌ها بهره‌گیری از ستاره‌های خود از سال قبل رو به جوانگرایی و تغییر آوردند. قرار نبود با یک ترکیب ثابت و پا به سن گذاشته چند سال دیگر هم مثلاً قهرمان لیگ جهانی شوند و تیم‌های جوان برزیل، ایتالیا و امریکا را شکست دهند بعد ناگهان همه چیز را از دست رفته ببینند، بنابراین خیلی راحت قید کسب سکوی رقابت‌های لیگ جهانی و حتی المپیک را حداقل برای یک سال زدند تا حالا تیمی قدرتمند، پرنفس و جوان جزو بالانشینان والیبال دنیا در لیگ جهانی و سایر مسابقات مهم باشند.

به جوان باید اعتماد کرد، کاری که تیم‌های مطرح والیبال دنیا انجام می‌دهند ولی والیبال ایران از آن غافل است. والیبال ایران رشد کرد چون به جوانانش بها داد، اما آن جوانان حالا مسن شده‌اند و باید جا را برای جوانان بعدی خالی کنند و چه جایی بهتر از لیگ جهانی برای انجام این مهم. اگر این اتفاق رخ داد پرچم والیبال ایران بالاست و اگر نشد، آن وقت روزی می‌رسد که باید حسرت این روزها و افتخارات را بخوریم.